روزنامه شرق

چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۰ • ۷ ذی‌القعده ۱۴۳۲ • ۵ اکتبر ۲۰۱۱ • سال نهم • شماره پیاپی ۱۳۶۰ • شماره ۴۳۶ دوره جدید • ۲۰صفحه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۳ اذان مغرب ۱۸:۰۱ اذان صبح فردا ۴:۳۹ طلوع آفتاب ۶:۰۳

از فلورانس تا تهران با رمان‌های مستور و وفی

مصطفی مستور و فریبا وفی در شهر کتاب مرکزی با مخاطبان خود در رونمایی ترجمه آثارشان شرکت می‌کنند. به تازگی ترجمه ایتالیایی رمان‌های «پرنده من» نوشته فریبا وفی و «استخوان خوک و دست‌های جذامی» نوشته مصطفی مستور در ایتالیا به همت انتشارات پونته ۳۳ منتشر و برنامه‌های مختلفی برای معرفی این آثار در شهرهای ایتالیا از جمله فلورانس، رم، میلان و... برگزار شده است. مراسم رونمایی ترجمه ایتالیایی کتاب‌های مذکور و دیدار با فریبا وفی و مصطفی مستور در روز یکشنبه ۱۷ مهر ساعت ۱۷ در فروشگاه مرکزی شهر کتاب برگزار می‌شود.

آقای ذوزنقه

جد لجوج و گردوی پیر

جواد مجابی

■ جد لجوج من سال‌ها پیش از این درخت گردو را به دست خود نشانده است؛ حالا که پیش ما بازگشته است وبرش گرفته درخت را احیا کند، آن هم چه درختی؟ خدا نکند چیزی در طبیعت پیر شود و گر بگیرد. پدر می‌گوید هیزمش چرب است بهتر می‌سوزد. البته جد بزرگوار درست موقعی ظاهر شد که همه در شورای خانواده به قطع درخت رای داده بودند، حتی گربه گل‌باقالی هم دیگر از پای درخت پیر استفاده نمی‌کرد، لابد با آن شم گربگی خود فهمیده بود دیگر این هیکل اعتباری ندارد و یک روز درخت در آن حالت رویش می‌افتد و له و لورده‌اش می‌کند. جد بزرگوار خیلی زود وارد جریان پچپچه‌ها شد و مخالفت خود را با لگدی محکم به گربه آشکار کرد، ظاهرا گربه برای آخرین بار پای درخت را به قضایی گود می‌کرد. جد بزرگوار گفت: خجالت بکشید، این یادگار جوانی من است، حرمت پیرها از بین رفته، آنقدر سبکسری کردید که گربه هم دیگر به یادگاری من گند می‌زند!

پدر گفت: آقاجان، این درخت افتادنی است.

جد بزرگوار گفت: محال است! درست یک هفته بعد ازین بگو مگوی خانوادگی با خط و ربط مکتبی‌اش نامه‌ای تهیه کرد، نامه را پیش از پست کردن برایم خواند:

اداره محترم – درختی در خانه ما موجود است که کهنسال است و از ثمرات عاری شده، برگ هم ندارد، شته جانش را می‌آزارد. ریشه‌هایش از خاک بیرون زده و در هوا ماندگار شده است و به هیچ وجه برای تغذیه به خاک فرو نمی‌رود. مستدعی است آن اداره محترم چاره‌ای بیاندیشد تا مگر در سایه حسن تدبیرشان این یادگار قدیمی حفظ و بر رونق آن افزوده شود

زیاده عرضی نیست. امضا – آدرس

نامه‌ها و جواب‌های بعدی را نه برایم خواند و نه من حوصله فضولی داشتم. یک روز جد بزرگوار تعریف کرد که چند مهندس عالی‌مقام کتبا اعتراف کرده‌اند، برای درخت‌های پیر، چاره‌ای بهتر از «قطع و حریق» وجود ندارد. اما او ناامید نشد. یک روز یک مهندس خارجی را که نمی‌دانم از کجا پیدا کرده بود به منزل آورد. مهندس آمد کنار درخت، شاخه‌های خشک، تنه پوسیده و سوراخ شده و ریشه‌های از خاک رانده درخت را خوب وارسی کرد، بعد سری تکان داد و زیر لب یک کلمه فرنگی را تکرار کرد که ظاهرا اسم یک مرض جلدی بود.

گفت: راهش این است که اره کنیدش، به سایر درخت‌های باغ لطمه می‌زند!

جد بزرگوار طاقت نیاورد، حرکتی کرد که شباهتی به کتک زدن و بیرون کردن میهمان داشت، البته پیش از آنکه به مهندس عالی‌مقام برسد، سکندری خورد و پخش زمین شد. میهمان عالی‌رتبه را رد کردیم و جد بزرگوار را با سرکه و کاهگل حال آوردیم. مدتی نامه‌نگاری موقوف شد. یک روز جد بزرگوار تمام عریضه‌ها و جوابیه‌ها را جمع کرد، شماره نامه‌ها را یادداشت کرد، بعد همه را آتش زد. با استناد به شماره‌های فراوان، یک نامه نهایی به شخص وزیر نوشت که او چه نوشته، و آنها چه جواب داده‌اند و تقاضای او چیست و تکلیفش را چه کسی باید روشن کند؟

وزیر زیر نامه می‌نویسد: گزارش تهیه شود! آن یکی می‌نویسد: سابقه پیوست شود. آن دیگری شرح پرونده می‌خواهد. ریز مکاتبات را دیگری یادداشت و به ضمیمه ارسال می‌کند، در نامه نهایی، حکم نهایی نوشته می‌شود: درخت کهنسال را باید برید! و ایشان هم بی‌هوا به سابقه می‌نویسد: فوری اقدام شود.

یک روز در را زدند، ماموری آمد تو، پشت سرش دو هیزم‌شکن دولتی در لباس آبی با تیشه و اره و طناب آمدند.

مامور گفت: آمده‌ایم حکم وزارتی را اجرا کنیم.

جد بزرگوار نامه را خوانده و نخوانده پاره کرد و ریخت پای درخت و داد زد: بروید گم شوید.

مامور گفت: ما معذوریم و باید...

جد بزرگوار عصبانی شد، چیزهایی گفت که نمی‌شود باز گفت. پدر با محافظه‌کاری دست جد بزرگوار را کشید و برد توی اتاق. ماموران طناب انداختند به شاخه درخت، تعجب کرده بودم که چطور جد بزرگوار به سادگی دست کشیده است، که یک دفعه صدای تیری بلند شد. صدای ششلول ایشان بود توی ایوان! پدر را دیدیم که ششلول را از دست جد بزرگوار در می‌آورد. جد بزرگوار خیس عرق به طرف درخت دوید، آن را بغل کرد و پیاپی داد می‌زد: اره کنید، قانون را اجرا کنید. اره‌تان را اجرا کنید، قانون کنید. با در دست داشتن حکم وزارتی مترصد بودیم که جد بزرگوار را با درخت به دو نیم کنند. دیشب در کشاکش توفانِ پر همهمه‌ای که خانه را می‌لرزاند منتظر بودیم که درخت از ریشه درآید. همه ترسمان از این بود که بیافتد روی عمارت. صبح دیدیم با حیرت که درخت همچنان استوار مانده و جد بزرگوار با موهای سفید، پریشان در نسیم زیرش ایستاده است. بیچاره مرتب سرفه می‌کرد و عطسه می‌زد، سرمای سختی خورده بود. کیومرث گفت: نیمه شب در آن باد واویلا از پشت شیشه جد بزرگوار را دیده که درخت پیرش را بغل کرده و همصدای توفان می‌خندیده است.

***بازنشر یادداشت‌های جواد مجابی بعد از ۴۰ سال**

برداشت آخر

معرفی برندگان جایزه نوبل فیزیک ۲۰۱۱

تقدیر از کاشفان انرژی تاریک و انبساط فزاینده عالم

گروه علم: کمیته نوبل در موسسه کارولینسکای استکهلم سوئد، روز گذشته در صدودهمین سالگرد برگزاری مراسم جوایز نوبل با برگزاری کنفرانس مطبوعاتی، برندگان نهایی جایزه نوبل فیزیک ۲۰۱۱ را اعلام کرد. بر اساس این گزارش جایزه امسال نوبل فیزیک به طور مشترک به «برایان اشمیت» (Brian Schmidt) از دانشگاه ملی استرالیا، «آدام ریس» (Adam Riess) از دانشگاه جان هاپکینز و «ساول پرلماتر» (Perlmutter Saul) از آزمایشگاه ملی لارنس- برکلی به دلیل «کشف انبساط جهان با شتاب فزاینده از راه رصد ابرنواخترهای دوردست» اهدا می‌شود. طبق این گزارش نیمی از جایزه نوبل فیزیک امسال به ساول پرلماتر اهدا و نیم دیگر بین بریان اشمیت و آدام ریس تقسیم می‌شود.

آدام ریس

ساول پرلماتر

برایان اشمیت

گفتنی است، دانشمندان تا سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) عقیده داشتند که پس از انفجار بزرگ که حوالی ۱۴ میلیارد سال پیش اتفاق افتاد، عالم در حال انبساط است اما این انبساط به دلیل نیروی گرانش ماده موجود در عالم پیوسته کاهش می‌یابد اما این افراد موفق شدند با بررسی ابرنواخترهای نوع اول که در اثر انفجار کوتوله‌های سفید به وجود می‌آیند، سرعت انبساط عالم را اندازه‌گیری کنند و نشان دهند برخلاف تصور رایج، سرعت انبساط عالم از حدود پنج میلیارد (پنج هزار میلیون) سال پیش، بیشتر شده است. عامل این انبساط که با نام «انرژی تاریک» شناخته شده، پدیده ناشناخته‌ای است که حدود ۷۰درصد از ماده-انرژی موجود در عالم را تشکیل می‌دهد و با خنثی کردن نیروی گرانش، باعث می‌شود سرعت گسترش و انبساط عالم افزایش یابد. به بیان دیگر انبساط جهان با شتاب فزاینده صورت می‌گیرد، البته ماهیت انرژی تاریک هنوز مشخص نشده است.

آشنایی با برندگان نوبل فیزیک

ساول پرلماتر متولد سال ۱۹۵۹(۱۳۳۸) در کمپین اوربانا، آمریکاست. او هم‌اکنون در آزمایشگاه ملی لارنس-برکلی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی مشغول کار است. برایان اشمیت متولد سال ۱۹۶۷(۱۳۴۶) در میسولا، آمریکاست. او هم‌اکنون در دانشگاه ملی استرالیا در وستون کریک مشغول به کار است. آدام ریس متولد سال ۱۹۶۹(۱۳۴۸) در دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا و موسسه علوم تلسکوپ فضایی در بالتیمور مشغول به کار است.

دانستنی‌هایی درباره جایزه نوبل

جایزه نوبل فیزیک سال گذشته به پاس آزمایش‌های جالب با «گرافن» که محکم‌ترین و نازک‌ترین ماده شناخته‌شده است، به «آندره گیم» و «کنسانتین نووسلوف»، دانشمندان روسی و هر دو از دانشگاه منچستر انگلستان اهدا شد. همچنین اولین جایزه نوبل فیزیک جهان در سال ۱۹۰۱ به «ویلهلم کنراد رونتگن» به دلیل کشف پرتوهای رونتگن اهدا شد. پرتو رونتگن یا پرتو ایکس از پدیده‌های بسیار مهم فیزیکی است که خیلی زود در پزشکی و صنعت، کاربردهای بسیار گسترده‌ای یافت.

جوان‌ترین برنده این جایزه، «لارنس برگ» بود که در ۲۵ سالگی در سال ۱۹۱۵ موفق به کسب آن شده است. پیرترین برنده نوبل فیزیک نیز «دیموند دیویس» نام دارد که در سال ۲۰۰۲ در ۸۸ سالگی به این جایزه دست یافت.

هفته گرامیداشت دانشمندان

گفتنی است هفته اهدای جوایز نوبل از دوشنبه هفته جاری (۱۱ مهر) با معرفی برندگان نوبل فیزیولوژی یا پزشکی آغاز شدند. دیروز، سه‌شنبه نیز برندگان نوبل فیزیک معرفی شد و امروز برنده نوبل شیمی معرفی می‌شود. زمان اعلام برنده جایزه نوبل ادبیات نیز بنا به سنت مرسوم، از پیش مشخص نمی‌شود. برندگان همه جوایزی را که تاکنون نام بردیم، فرهنگستان علوم سوئد معرفی می‌کند اما برنده جایزه صلح را موسسه صلح نوبل در اسلوی نروژ در روز جمعه و برنده جایزه اقتصاد را هم بانک مرکزی سوئد روز دوشنبه آینده (۱۸مهر) معرفی می‌کند. مراسم اهدای جوایز نیز دو ماه دیگر با حضور خانواده سلطنتی سوئد، اعضای فرهنگستان سلطنتی سوئد و میهمانان سرشناسی که بیشترشان برندگان سابق جوایز نوبل هستند، برگزار می‌شود. جایزه نوبل شامل مدال نوبل، دیپلم افتخار و چکی به مبلغ ۱/۵ میلیون دلار است که به برنده یا برندگان اهدا می‌شود. اگر برنده چند نفر باشند جایزه بنا به سهمی که بنیاد نوبل مشخص می‌کند، بین برندگان تقسیم می‌شود.

دکه

«مهرنامه» با ارثیه پدری، کتاب سبز و ... آمد

شماره ۱۵ ماهنامه علوم انسانی «مهرنامه» نیمه دوم شهریورماه منتشر شد. «کتاب سبز» متن کامل مانیفست قذافی و یادداشتی از ماشاءالله شمس‌الواعظین، «در نفی مدرنتیه»؛ گفت‌وگو با مهدی نصیری و پرونده‌ای در باب سرنوشت نظریه غرب‌زدگی، به همراه پرونده ویژه‌ای درباره «سرمایه‌داری می‌میرد؟» با مناظره موسی غنی‌نژاد و فریبرز رییس‌دانا از مطالب ویژه این شماره از «مهرنامه» به شمار می‌رود.

«ارثیه پدری» پرونده‌ای درباره ریشه‌های تاریخی و فکری دولت بعث سوریه به همراه گفتار و آثاری از گری بکر، برنده نوبل اقتصادی ۱۹۹۲، احسان شریعتی، مقصود فراستخواه، عمادالدین باقی، حسین سلیمی، حبیب‌الله پیمان، تقی آزاد ارمکی و... در مهرنامه نیمه دوم شهریورماه منتشر شده است. این ماهنامه در ۲۵۶ صفحه و ۵۰صفحه ضمیمه نقد و بررسی کتاب به قیمت ۶۰۰۰تومان در دسترس علاقه‌مندان است.

کارتون خواب

کیوان زرگری
cartoononline.persianblog.ir

رویداد

عکس های «خاکستری» آیدین رهبر در گالری گلستان

دومین نمایشگاه انفرادی عکس‌های آیدین رهبر با عنوان «خاکستری» در گالری گلستان برگزار می‌شود. در نمایشگاه خاکستری ۳۰ اثر در اندازه‌های ۵۱×۶۱ ارایه می‌شود. تکنیک عکاسی به کار گرفته شده برای عکس‌های سیاه و سفید این نمایشگاه آنالوگ و چاپ دستی است. موضوع عکس‌های اجتماعی این مجموعه نیز مردم کوچه و خیابان و شخصیت‌هایی همچون قصاب، نانوا، تعمیرکار و... هستند که عکاس از منظری نو به آنها نگریسته است. آیدین رهبر ۲۹سال دارد. او پس از تحصیل در رشته گرافیک، در مطبوعات شروع به کارکرد و با روزنامه‌ها و مجلاتی مانند شرق، اعتماد، سرمایه، گسترش‌صنعت و... همکاری کرده است. اولین نمایشگاه انفرادی آیدین رهبر در سال ۱۳۸۸ در گالری گلستان برگزار شد. عنوان نمایشگاه نخست وی «بوم شیشه‌ای» بود و موضوع آن هنرمندان برجسته و سرشناس تجسمی ایران بودند. او ۲۰ اثر رنگی را در اندازه‌های ۵۰×۷۵ در آن نمایشگاه ارایه داده بود. او در چندین نمایشگاه گروهی نیز شرکت کرده است. علاقه‌مندان برای بازدید از دومین نمایشگاه عکس‌های آیدین رهبر، می‌توانند به خیابان دروس، خیابان شهید کماسایی، پلاک ۳۴ مراجعه کنند. افتتاح این نمایشگاه روز جمعه ۱۵ مهر است و تا روز چهارشنبه ۲۰ مهر از ساعت ۴ تا ۸ عصر گالری گلستان میزبان عموم بازدید کنندگان خواهد بود.

نگاه

۷۰ سال پس از پروین

احمد مسجدجامعی

در روزهای گذشته، باردیگر بحث تخریب میراث تهران مطرح شد و این بار نام خانه پروین اعتصامی بر سر زبان‌ها افتاد. آثار تاریخی تهران از نظر معنوی به همه شهروندان تعلق دارد، هر چند از نگاه حقوقی، مالکیت آن برای اشخاص است و البته نباید این نگرش به زیان یا عدم‌النفع مالک حقیقی بینجامد این مهم در برنامه توسعه چهارم پیش‌بینی و از دولت خواسته شده بود که راهکارهای لازم را ارایه کند که البته چنین نکرد.

اما درباره برخی بناها، وضعیت باز هم متفاوت است. خانه پروین از آن نمونه‌هاست. این خانه، جزیی از شناسنامه شهر و فرهنگ و ادب ماست که با آن شناخته می‌شویم.

پروین در خانه‌ای زاده شد که محضر علم و عالمان بود. پدر او میرزایوسف اعتصام‌الملک از شخصیت‌های ادبی دوران اخیر است که نخستین مدیر کتابخانه ارزشمند مجلس شورای ملی در بهارستان بود. او در ترجمه، نویسندگی و فهرست‌نویسی صاحب آثار است و از روزنامه‌نگارهای پیشرو در ایران به شمار می‌رود که نشریه فرهنگی- ادبی معروف بهار را بنیاد گذاشت. از این‌رو خانه پروین محل رفت‌وآمد بزرگانی همچون ملک‌الشعرای بهار، علامه محمد قزوینی، علامه علی‌اکبر دهخدا، سعید نفیسی و... بود.

پروین، بانوی شعر ایران است که اشعار او همراه با مناظره و گفت‌وگو و پر از نکات و ظرایف لطیف انسانی و اخلاقی است.

از این جایگاه، خانه پروین چند ویژگی دارد که برخی از آنها عمومی‌تر است. نخست آنکه این خانه دارای معماری دوره انتقال بوده و این سبک و سیاق در تهران بزرگ کمیاب است. معماری بنا نئوکلاسیک و برون‌گراست. ستون‌های بلند بدون توجه به طبقات، نمای ساختمان را در اختیار دارد. هرچند پایه و انتهای آنها پرتزئین نیست و سبک خلاصه شده‌ای از معماری رم قدیم را به ذهن می‌آورد. دیگر آنکه این خانه با این سبک معماری در مجموعه به هم پیوسته بناهای پهنه تاریخی تهران قدیم، یعنی عودلاجان و امامزاده یحیی است که نوعی پیوستگی در فضا و معماری را تداعی می‌کند و از این حیث بیانگر تجدد در بافت‌های سنتی و هویت تاریخی شهر است. کانون این هویت، همین تک بناهاست که لازم است مدیریت شهری و نظام اجرایی در هر دوره به حفاظت و باززنده‌سازی آنها بپردازد. اما مهم‌تر از همه اینها، اینجا خانه پروین است و فراتر از یک شهر، کشور و محل زندگی زنی است که با دنیای ایرانی پیوندی ناگسستنی دارد. پروین اعتصامی از چهره‌های شاخص معاصر و شخصیتی یگانه در حوزه شعر و ادب فارسی است. هر سال بارها و بارها اشعار او به صورت‌های مختلف چون دیوان پروین، گزیده اشعار، شرح دیوان، مجموعه سروده‌ها و... توسط ناشران گوناگون انتشار می‌یابد. پروین شاعری است که همه دیدگاه‌های مختلف ادبی و گرایش‌های گوناگون فکری او را می‌ستایند. در اکثر شهرهای بزرگ کشور خیابانی به نام نیکوی او نهاده‌اند. در سراسر ایران، مدارس بسیاری نام و نشان او را دارند. او حلقه وصل ادب معاصر و سنت ادبی کهن فارسی است. از این رو می‌توان او را پرخواننده‌ترین شاعر معاصر نامید. در سال‌هایی که مسوولیتی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشتم، برای نخستین بار جایزه ادبی پروین پایه‌گذاری شد و از پروین‌پژوهان سراسر عالم دعوت به عمل آمد. آثاری از پروین به زبان‌های ترکی، عربی، آلمانی، بلغاری و انگلیسی ارایه شده است و پایان‌نامه‌هایی در دانشگاه‌های آن کشورها به اشعار پروین پرداخته است. در همان زمان گزیده اشعار پروین به خط سریلیک در تاجیکستان نیز انتشار یافت. ترجمه عربی اشعار او را سمیر ارشدی به سرانجام رسانید و به‌زودی به چاپ‌های دیگر دست یافت. به‌تازگی هم ژاله صادقیان با بیان شیوا و شمرده‌اش تمامی اشعار او را خوانده است که امیدوارم هرچه سریع‌تر عرضه شود.

پروین در زمان زندگی کوتاه و پربار خود با چهره‌های بزرگ ادبی آن روزگار گفت‌وگوهای مهمی داشته است. مقدمه عالمانه ملک‌الشعرای بهار بر نخستین چاپ آثار او بیانگر نمونه‌ای از این ارتباط علمی است. او با محمدجمال هاشمی، روحانی و به ویژه شاعر بلندآوازه عرب نیز مکاتباتی داشته است.

همه اینها نشانگر شخصیت متفاوت و تاثیرگذار پروین است. شخصیت پروین، نماد شخصیت ادبی زن معاصر ایرانی است. دیدگاه‌هایش انسانی و منش او تربیتی است. زبان او روان، شیوا و شیرین است که به عواطف آدمی احترام می‌گذارد و نکات پرمغز را در شکل گفت‌وگو و مناظره‌ای دلچسب و عمومی بیان می‌کند. گفتار او حکیمانه، ولی آسان و همه فهم است. سهل و ممتنع است. او شاعر همه مردم است. کودک و جوان و بزرگسال، زن و مرد، عوام و خواص مخاطب او هستند. سوژه‌های او از زندگی روزمره است. آتش و کباب، نخ و سوزن، سیر و پیاز، گریه، کوزه، شاگرد و استاد، مست و محتسب و... تنوع شعری او بسیار است و در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه و مثنوی آرای خود را ارایه می‌کند. از نگاه اجتماعی، همدلی و همراهی پروین با فرودستان چشمگیر است. پدر او نخستین مترجم اثر مشهور ویکتور هوگو به نام تیره‌بختان بود. خانواده او هر چند از طبقات ممتاز به شمار می‌رفت ولی سکونت آنها در محلات متوسط و قدیمی شهر بود و ارتباط نزدیکی با عموم اقشار جامعه داشتند و همه اینها زمینه فهم نزدیک از مشکلات فرودستان را برای پروین فراهم می‌کرد.

او در آغاز، در کنار پدر و سپس تا پایان عمر به شغل کتابداری پرداخت. به ازدواجی ناخواسته تن داد و مراسمی در همین خانه برای عروسی او برگزار شد و سه ماه و اندی زندگی مشترک را تجربه کرد و ۷۰ سال پیش با بیماری سل در ۳۴ سالگی جهان را وداع گفت. هرچند آنقدر بزرگ بود که در هیچ کجا از مشکلات شخصی، کلامی بر زبان نیاورد.

پروین یگانه شعر و ادب فارسی است. در کلام، در زندگی و در چهره و نگاه او اخلاق و معصومیتی دوست داشتنی موج می‌زند که غم‌هایی نهفته را همچنان پنهان می‌دارد.

از این رو حفظ خانه پروین از موقعیت و جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است و از این نگاه به همه فارسی‌زبان‌ها و علاقه‌مندان به ادب معاصر و نگاه انسانی و اخلاقی به زندگی مربوط می‌شود.

از یاد نبریم که این خانه از معدود بناهایی است که در کشور ما در نسبت با یک زن تعریف می‌شود و این نیز وجه دیگری از ضرورت حفظ این ساختمان است. حرکتی که مردم تبریز در سال‌های پیش درباره خانه پدری و زادگاه پروین به سرانجام رساندند، جای شکرگزاری دارد. بی‌شک بسیاری از خردمندان و علاقه‌مندان به حوزه اخلاق و ادب ایران هستند که افتخار آنها سرمایه‌گذاری مادی و معنوی برای حفظ و احیای میراث فرهنگی پروین است. اگر به هر دلیلی از دستگاه‌های عریض و طویل دولتی کاری ساخته نیست حداقل، شرایط مشارکت برای اشخاص و انجمن‌ها را فراهم کرده تا آنها نسبت به حفظ این افتخارات اقدام کنند. همه اینها در شرایطی است که متاسفانه خانه پروین به سه قسمت مجزا تبدیل و زمزمه از بین رفتن آن جدی شده است و تنها یک قسمت آن در اختیار بخش‌عمومی است و ضرورت دارد دو قسمت دیگر هرچه سریع‌تر تملک، بازسازی و احیا شده و خانه پروین به کانونی از مباحث شعر و ادب ایرانی تبدیل شود یا به گنجینه آثار مربوط به پروین و حوزه «پروین‌شناسی» اختصاص یابد و کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مربوط به این رشته از سراسر جهان جمع‌آوری و در اختیار علاقه‌مندان گذاشته شود. آثار، عکس‌ها، دست‌نوشته‌ها، نامه‌ها و مکاتبات منتشر نشده از پروین و خاندان او هنوز هم وجود دارد که می‌توان نمونه‌هایی از آن را در چنین مکانی نگهداری کرد. امید است که عزم مدیریت شهری در انجام این مهم، هرچه سریع‌تر اجرایی شود.

چهارشنبه‌خوانی

مهربانی، سیب، ایمان

بهاره رهنما

■ از یک کتاب می‌گویم شاید با همه پیچیدگی‌هایش ساده به‌نظر بیاید، ساده‌تر و روان‌تر از حتی خود زندگی، آنقدر که دیگر سال‌هاست سراغش نرفته باشیم. گلستان سعدی؛ همو که در دبستان حکایت‌هایش را می‌خواندیم؛ منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت... اتفاقی برایم افتاد که باز مثل «سرندیپیتی» قهرمان کارتون‌های کودکی‌ام اشک سیل شده بود بر سر و روی خودم و اطرافیانم. بار دوم بود که در همه عمرم شکستگی دل داشتم آن هم از نوع جوش‌نخورش، بعد فکر کردم ببینم خواندن چه چیزی اشکم را بند می‌آورد. اسباب‌خانه‌ام نیمه‌بسته است. به چند کتاب مانده روی کتابخانه خاک‌گرفته نگاه می‌کنم. به معجزه ایمان دارم حتی به همین دل نیم‌بند. پس گلستان سعدی را برمی‌دارم فوتش می‌کنم. دست می‌کشم رویش و بازش می‌کنم. کنارش با مداد نوشته‌ام؛ بعد کلاس میای بریم پیتزا ویلا؟ او که باید جواب می‌داد همکلاسی دانشکده ادبیات بود، جوابش را یادم نیست اما خودش را خوب یادم هست. می‌خوانم، می‌خوانم و از لاغرشدن صحبت این روزهای بین ما آدم‌ها که لابه‌لای سطور این حکایت‌ها موج می‌زند، غصه می‌خورم. شاید بازخوانی حتی چند حکایت از این باغ ابدی گلستان یادمان بیندازد که هنوز چیزهایی هست که حتی به سهراب هم رسیده، اما شاید به کودکان ما نرسد؛ مهربانی، سیب، ایمان.

دیده بان

پایه‌های لرزان صلح

زهره کریم‌نیا

■ در شرایط کنونی جهان، صلح جهانی از چندین جبهه مورد تهدید قرار دارد. رشد روزافزون جمعیت جهان، گرم شدن کره زمین، گرسنگی میلیون‌ها انسان، بی‌سابقه‌ترین بحران اقتصادی غرب و اوج‌گیری مهاجرت‌ها از یک سو و افزایش مصرف و صنعت‌گرایی در نظام اقتصادی کنونی از سوی دیگر، کشورها را به ناچار از دستیابی به منابع بیشتر انرژی و آب و امکانات زیست‌محیطی بهتر سوق می‌دهد و این عوامل می‌تواند منجر به جنگ‌هایی شود. به دلایل فوق توجه به مساله صلح، بیش از هر زمانی امری ضروری و حیاتی به‌شمار می‌رود اما ابزار و امکانات جهت گام برداشتن در این راه بسیار محدود است و صلح برخلاف جنگ که می‌تواند از طریق تسلیمات و به کارگیری زور و تهدید عملی شود، قابل تحقق نیست. تاریخ تلاش‌ها در جهت تحقق صلح بیانگر این نکته‌اند که تنها و تنها خودآگاهی و رشد فرهنگی افراد و جوامع مهم‌ترین و شاید تنها ابزار صلح به‌شمار می‌روند و این کار بسی دشوار است. در این راه، تعدیل صفات منفی انسان به همان اندازه اهمیت دارد که تعدیل نیازها و مصرف. صلح امروز برخلاف گذشته صرفا توسط کشورها و اقوام و گروه‌های انسانی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد، بلکه همان‌گونه که اشاره شد امروز روز طبیعت هم موجودیت انسان را به چالش کشیده و به نظر می‌رسد که این تهدید ابعاد هولناک‌تری نسبت به تهدیدهای دوران گذشته توسط انسان‌های جنگجو دارد. از جانب دیگر می‌دانیم که دفاع از صلح در قبال طبیعتی که چند قرن مورد ستم و تجاوز ما انسان‌ها قرار گرفته نیازمند راه‌حل‌های دیگری است. تسلط بر زیاده خواهی و محدود کردن نیازها و مصرف، امروزه همه و همه در زمره تلاش در جهت صلح به‌شمار می‌روند. اینها مواردی هستند که قبلا خارج از مقولات صلح‌طلبی به‌شمار می‌رفتند. هر فرد یا قومی که بیش از اندازه نیازهای اساسی خود به مصرف دامن می‌زند، درهمان حال حق بنده و شما را پایمال می‌کند چرا که طبیعت متعلق به همه است. طبیعت را با پول نمی‌توان خریداری کرد و عواقب تخریب محیط زیست را به دیگران سپرد. این موارد متاسفانه در حال حاضر با نظام اقتصادی افسار گسیخته دنیا در جریان است و به نظر می‌رسد صلح جهانی را به مراتب بیش از مسایل دیگر تهدید می‌کند و این تهدید در سخنی کوتاه، بود و نبود انسان‌ها را روی کره زمین زیر سوال برده است. البته این توجه به مسایل امروزی صلح جدا از مسایل صلح‌طلبی در زمینه‌های دیگر نبود و دشوار هم نیست که ما همه این موارد را در ارتباط با یکدیگر بدانیم و اینکه در نهایت امر همه تهدیدها به دست انسان انجام می‌پذیرد. از این رو توجه انسان به کاهش صفات منفی و تقویت صفات مثبت او از مبرهنات ضروری و زیربنایی صلح‌طلبی است و این توجه و تلاش همان‌گونه که ذکر شد مستلزم تلاش فرهنگی و رشد خودآگاهی انسان است. هدف از این تلاش‌ها در نهایت انسان را به صلح درونی رهنمون می‌کند و صلحی درونی است که ما را از اجحاف به خود، دیگران و طبیعت باز می‌دارد. ریشه اجحاف و فقدان صلح درونی را باید در رفع کمبودهایی جست‌وجو کرد که تنها افراد می‌توانند با ارتقای فرهنگی، هنری و معنوی ارضا بشوند. اموری که دسترسی به آن به مراتب هزینه کمتری دربردارند. خشونت و مصرف اضافی هیچ‌گاه قادر به ارضای نیازهای روحی و معنوی انسان نیستند. در این دیدگاه، صلح‌طلبی تنها مقوله‌ای سیاسی نیست بلکه موضوعی حیاتی است و همه حوزه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. پس از همه فرصت‌ها در جهت برقراری صلح استفاده کنیم تا شاید جهانی بهتر از جهان امروز تحویل نسل‌های آینده بدهیم و با تلاش فرهنگی، هنری و با صلح درونی زندگی خود را اعتلا بخشیم.